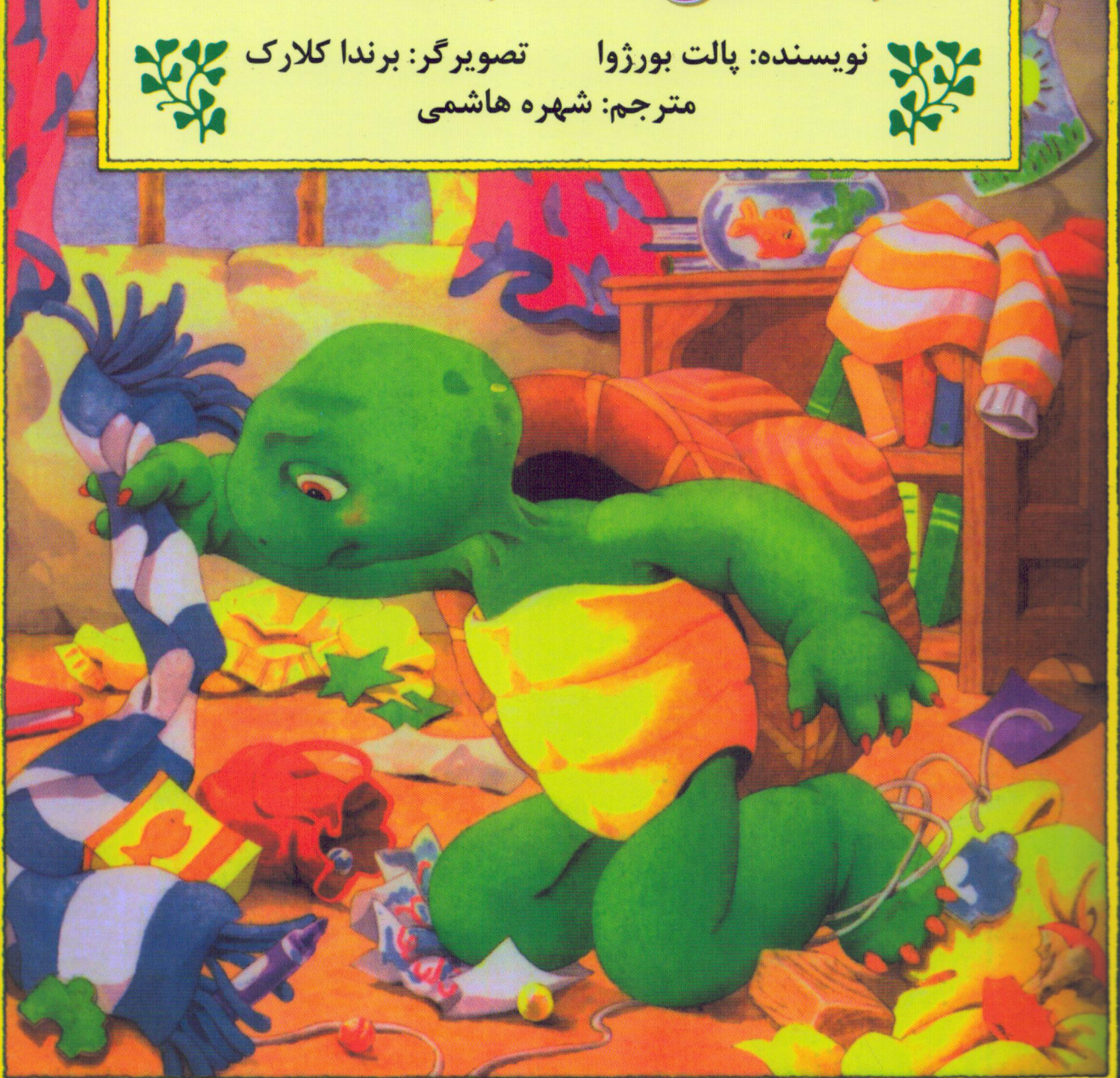


# فرانگلین نامرتب است

نویسنده: پالت بورژوا    تصویرگر: برندا کلارک  
مترجم: شهره هاشمی





آن‌ها تمام بعدازظهر را با اژدهای ترسناک خیالی جنگیدند.  
 فرانکلین گفت: «فردا شمشیرم را پیدا می‌کنم. بعد می‌توانیم خانم سگ‌آبی  
 را از دست اژدهای آتش‌خوار نجات بدهیم. من و خرس نقش دو شوالیه‌ی  
 شجاع را بازی می‌کنیم.»  
 سگ‌آبی دمش را به زمین زد و گفت: «من نمی‌خواهم نجاتم بدهید. من هم  
 می‌خواهم شوالیه‌ی شجاع باشم.»  
 فرانکلین گفت: «باشد، تو می‌توانی شوالیه سگ‌آبی باشی و همگی شاه را  
 نجات می‌دهیم.»  
 خرس گفت: «اما تو باید شمشیرت را پیدا کنی.»  
 فرانکلین گفت «بله، تا فردا آن را پیدا می‌کنم.»

